

۱۴۱۶۸۱۸

حکایت حمزه در جنگ بی زره

جلال الدین محمد بلخی

به کوشش : نورالله دالوند

انتشارات وشاق

چاپ اول ۱۳۹۵

سرشناسه: بلخی مولوی، جلال الدین محمد، ۶۰۴-۶۷۲ق
عنوان قرارداد: مثنوی معنوی، حکایت حمزه در جنگ بی زره، برگزیده
عنوان و نام پدیدآور: حکایت حمزه در جنگ بی زره، مثنوی معنوی بر اساس نسخه رینولد نیکلسون /تالیف
مولانا جلال الدین محمد بلخی /به کوشش نورالله دالوند
مشخصات نشر: تهران، وشاق، ۱۳۹۵
مشخصات ظاهری: ۶۴ص
شابک: ۶-۳۶-۷۴۵۱-۶۰۰-۹۷۸
وضعیت فهرست نویسی: فیبا
موضوع: شعر فارسی ق ۸
شناسه افزوده: نورالله دالوند ۱۳۵۷
رده بندی دیویی: ۸۱۱/۳۱
رده بنده کنگره: الف ۱۳۹۵ / آ ۱ ۵۲۹۹ PIR
شماره کتابشناسی ملی: ۵۱۰۵۵۸۹

اشارات وشاق

تهران انقلاب خیابان / اقلی نواد پ ۱۱۷ تلفن ۶۶۴۱۶۹۱۳

yazdanpour@gmail.com

حکایت حمزه در جنگ بی زره

جلال الدین محمد بلخی

به کوشش: نورالله دالوند

ناشر: وشاق

نوبت چاپ: اول ۱۳۹۵

شابک: ۶-۳۶-۷۴۵۱-۶۰۰-۹۷۸

تیراژ: ۴۰۰

قیمت: ۶۰۰۰۰ ریال

جلال‌الدین محمد بلخی در سال ۵۸۶ هجری شمسی در بلخ به دنیا آمد. نام او محمد و لقبش در دوران حیات جلال‌الدین و گاهی خداوندگار و مولانا خداوندگار بوده و لقب مولوی در قرن‌های بعد (ظاهراً از قرن نهم) برای وی به کار رفته است. پدر او مولانا محمدبن حسین خطیبی است که به بهاء‌الدین ولد معروف بود و او را با لقب سلطان العلماء نیز یاد کرده‌اند. بهاء‌ولد از اکابر صوفیه و اعظم عرفا بود و خرقه او به احمد غزالی می‌پیوست.

وی در علم عرفان و سلوک سابقه‌ای دیرین داشت و از آن رو که میانه خوشی با قیل و قال و بحث و جدال نداشت، و علم و معرفت حقیقی را در سلوک باطنی می‌دانست و نه در مباحثات و مناقشات کلامی و فقهی، رجمنداران کلام و جدال با او از سر ستیز درآمدند از آن جمله فقرالدین رازی بود که استاد سابقان محمد خوارزمشاه بود و پیش از دیگران شاه را بر ضد او برانگیخت. جلال‌الدین محمد ۱۳ ساله بود که به همراه پدرش بلخ را ترک کرد.

وی شهر به شهر و بار به بار رفت و در طول سفر خود با فریدالدین عطار نیشابوری نیز ملاقات کرد و بالاخره علاءالدین شیبانی، استاد، فرستاد و او را به قونیه دعوت کرد. او از همان بدو ورود به قونیه مورد توجه عام و خاص قرار گرفت.

سرانجام پدر مولوی در حدود سال ۶۲۸ هجری قمری درگذشت و در دیار قونیه به خاک سپرده شد. در آن زمان مولانا جلال‌الدین ۱۵ ساله بود.

مولانا در آستانه ۴۰ سالگی مردی به تمام هنر و عارف و دانشمند دوران خود بود و مریدان و عامه مردم از وجود او بهره‌ها می‌بردند تا اینکه قلندری گمنام، و ده پوش به نام شمس‌الدین محمد بن ملک داد تبریزی به قونیه آمد و با مولانا برخورد کرد، کتاب دیدارش قلب و روح مولانا را بگذاخت و شیدایش کرد.

پیوستن شمس به مولانا در حدود سال ۶۴۲ هجری قمری اتفاق افتاد. به گفته آتش حسادت مریدان زیانه کشید. آنها می‌دیدند که مولانا مرید ژنده پوشی گمنام شده و به توجهی به آنان نمی‌کند از این رو فتنه جوئی را آغاز کردند و در عیان و نهان به شمس تازی می‌گفتند و همگی به خون شمس تشنه بودند. جلال‌الدین محمد در سال ۶۵۲ شمسی در سن ۳۰ سالگی در قونیه فوت کرد و مقبره این شاعر برزگ در همان شهر قرار دارد.

نورالله دالوند

خرم آباد

بهار ۱۳۹۵